

تحلیل موازنه نهادهای سیاسی

آزاده حیدری ، دانشجوی دکتری مدیریت منابع انسانی

* نهادها اغلب بوسیله‌ی تدابیر سیاسی که دارند تعیین می‌کنند چه کسی قدرت را در دست بگیرد و این قدرت چگونه اعمال شود. بنابراین نهادهای سیاسی به رفتار شرکای خود شکل می‌دهند و به همین جهت ، اغلب موضوع کشمکش های سیاسی، نیت و پذیرش شرکای هر نهاد می باشد.

* تئوری سیاست رسمی به دلایل مختلفی، چارچوب تحلیلی کلی و جذابی را برای بررسی و آنالیز نهادهای سیاسی در نظر گرفته است. ابتدا اینکه آنالیز نهادهای سیاسی تابع مدلینگ رسمی می باشد.

*** آنالیزهای تئوریک - رسمی نهادها از نقطه نظر مفهومی در سه مسیر متمایز پیش می روند.**

- تئوری سیاست رسمی ، در اغلب روشهای مستقیم در زمینه ی بررسی نهادها ، آنها را به عنوان داده ی معلوم در نظرمی گیرد و مفاهیم را برای رفتارهایی بررسی می کند که آن رفتارها توسط خود تئوری کنترل می شود. یکی از ویژگیهای کلیدی این روش تشخیص بازیگران سیاسی در زمینه ی درک این مسئله است که رفاه این بازیگران نه تنها به طرز عمل خود آنها بلکه به عملکرد دیگران نیز بستگی دارد؛ این مسئله برای افرادی مصداق پیدا می کند که بالقوه تمایل به کشمکش دارند.

متقابلا وقتی که نهادها جهت توازن مورد آنالیز قرار می گیرند ما نه تنها به نتایج سیاسی آنها علاقمندیم بلکه علاقمند به دانستن این موضوع هستیم که چرا بازیگران کلیدی عرصه ی سیاست، انگیزه ی تاسیس و حفظ این نهادها را در وهله ی اول دارند. در آنالیز کاملتری از دیدگاه نهادها، هم رفتار و هم نهادهایی که این رفتار را کنترل می کنند باید مشترکا توازنی را ایجاد نمایند- آنها باید دارای قدرت تحمیل اراده ی خود بر دیگران باشند. این روش بویژه برای آنالیز نهادهای بنیانی و محیطهای رسمی شده ی ضعیف مناسب می باشد.

جهت مطالعه کامل مقاله، فایل پیوست را دانلود نمایید.

- تاکید به روی نقش نهادها در زمینه ی ایجاد هماهنگ سازی اصلی (مرکزی) و انتخاب توازن می باشد.

تأثیر موضوع اصلی Schelling (۱۹۶۰)، به ما کمک می کند تا بفهمیم استثناهای فرهنگی از نظر نهادها چگونه می تواند یک نقش قاطع را در هماهنگ سازی چندین توازن توسط یک بازیگر ایفا نمایند. این روش از مطالعه ی نهادها در اینجا به جای یک بلا تکلیفی ناخوشایند، تعدد توازن را به عنوان یک ویژگی اساسی سیاسی و فرصتی برای ترکیب کردن استثناهای شکل گرفته در آنالیز توازن نهادها به رسمیت می شناسد.

- این روش ریشه در انتظام سود بخش دارد که بازسازی و آنالیز مدل های سیاسی شفاف آن را به ساختار تئوری وارد کرده است. این انتظام حداقل دو شکل دارد:

۱- توازن Nash :

برای اینکه سناریوی سیاسی در توازن باشد، فرض می کند هیچ بازیگری نمی تواند انگیزه ی یک جانبه ای برای خروج از آن داشته باشد. این شرط پایدار یک معیار "منفی" جذاب برای پیش بینی نتایج سیاسی می باشد. بنابراین، در حالیکه این شرط ممکن است نتایج چند گانه را به عنوان توازن بپذیرد، هر کدام از این نتایج ممکن است علت انتخاب متفاوتی داشته باشند. هر رفتاری که استثنا باشد قطعاً ناپسند است: در یک پیشگویی عدم توازن انتظار می رود که حداقل یک بازیگر برخلاف علایقش عمل نماید.

۲- تئوری سیاست رسمی به منظور بررسی ظهور نهادها در فرآیند ساخت مدل وارد این تحقیق شده است و هر آنالیز با یک توصیف ضمنی از محیط های سیاسی مربوطه آغاز می شود. بازیگران، فعالیتها، اطلاعات در دسترس و الویتهای آنها از جمله این توصیفات می باشد. فرآیند مفهومی که توسط این عناصر مشخص می شود مستلزم چکیدگی و مختصر سازی و به عنوان یک نتیجه، نیازمند سبک و سنگین کردن رئالیسم توصیفی در رابطه با شفافیت موضوع می باشد. تئوری رسمی، آنالیز شفافیت موضوع را از نظر می گذراند، حتی اگر مدل های ساده به عنوان یک مرحله ی اصلی به سمت درک ما از محیط های پیچیده تر سیاسی باشد. نتایج فرعی شامل شفاف سازی در مورد فرضیات، منطق و تلویحات تجربی می باشد که به ما اجازه ی ایجاد ارتباط بین مکانیزم های مرتبط مفهومی را در محتوای مختلف می دهد.

نتایج توازن نهادها

* یکی از قدیمی ترین روشهای آنالیز نهادها: یک نهاد خاص را به عنوان داده ی مفروض در نظر می گیریم و چگونگی شکل گیری رفتارهای شرکای نهاد از طریق محرک های ایجاد شده توسط آن را مورد بررسی قرار می دهیم مثال : تحقیق Condorcet در قرن هجدهم در مورد سیکل رای گیری تحت قانون اکثریت. این روش هم چنین سابقه ی مفهومی دارد، به طوریکه ما فکر می کنیم که محرک اولیه در زمینه ی اصلاحات نهادها از نتایج پیش بینی شده ی آنها می باشد. برای توضیح این روش، دو نتیجه ی متمایز در مورد سیستم انتخاباتی اکثریت را در نظر می گیریم: که این دو روش شامل انحراف خط مشی و قانون Duverger می باشد.

* مدل استاندارد Hotelling یا Downsian دموکراسی را به عنوان یک سیستم سیاسی در نظر می گیرد، به طوریکه دو کاندید در راستای یک بعد واحد برای رای تعداد زیادی از رای دهندگانی که الویتهای سیاسی متفاوتی

دارند، با یکدیگر رقابت می کنند. ابتدا هر یک از دو کاندید سیاستی را پیشنهاد می دهند که بعداً اجرا خواهد شد؛ سپس هر رای دهنده به کاندیدی رای می دهد که سیاست پیشنهادی کاندید مورد نظر به الویتهای سیاسی او نزدیکتر باشد. برخلاف رای دهندگان، کاندیدها توجهی به سیاست ندارند بلکه تنها به برنده شدن فکر می کنند. کاندیدی که بیشترین سهم رای را به دست آورد برنده ی انتخابات می شود و سیاست پیشنهادی را اجرا می کند.

- این مدل در مورد ماهیت سیاستهای انتخابی پیشگویی صریحی دارد و در توازن منحصر به فرد، هر دو کاندید طرفداری شده از جانب رای دهندنده های میانه را پیشنهاد می دهد و بنابراین تساوی ایجاد می شود.

- در یک سیستم انتخابی با حوزه های تک عضوی و یک رای برای هر رای دهنده (SMD)، رای دهنده هایی که علاقمند به کاندیدهایی با رتبه های قابل قبول عامه در اولویت سوم یا بالاتر هستند، انگیزه ای برای ترک انتخاب کاندیدها به نفع یکی از دو کاندید اولویت یک یا دو را دارند؛ فارغ از ترس اینکه رای آنها به هدر خواهد رفت.

نهادها به عنوان توازن استراتژیکی

* نهادها محدودیتهای تدبیر شده ی انسانی هستند که تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را پی ریزی میکنند (North 1991:97). بنابراین علیرغم محدودیتهای جغرافیایی یا منابع، نهادها می توانند توسط بسیاری از بازیگران تدبیر شوند و یا تغییر نمایند.

* روش بیان ما در مورد این ویژگی از نهادها در زمانیکه ظهور و دوام نهادهای سیاسی را به عنوان نتایج توازن تعامل استراتژیکی درک می نماییم همراه با رئالیسم سیاسی می باشد.

* از تقابل دو دیدگاه رقابتی در زمینه ی ظهور و بقای دموکراسی به مدل‌های توزیع مجدد و پاسخگوئی از تحمیل اراده دموکراسی میرسد.

- در مدل توزیع مجدد، قدرت در دست افراد غنی و دیکتاتور محصور می شود، رقابت انتخاباتی تحت دموکراسی باید به الویتهای رای دهنده ی میانه (افراد فقیرتر) توجه نماید و در نتیجه توزیع مجدد درآمد را باعث می شود. اکثریت، جمعیت دموکراسی را به دیکتاتوری ترجیح می دهند و ممکن است یک حرکت انقلابی با نتایج توزیع مجدد اصلی بیشتر و ارضا نشدن تقاضاهای رای دهندگان باعث تهدید رقابت انتخابی شود. بر طبق این دیدگاه دموکراسی پایدار در سطح متوسطی از نابرابری اقتصادی می باشد و زمانی پدیدار می شود که درصد زیادی از جمعیت، متقاضی این دموکراسی هستند.

* در مدل پاسخگوئی از تحمیل اراده دموکراسی، اختلاف اصلی بین دیکتاتوری و دموکراسی این است که دموکراسی در رقابت انتخابی تلاش می کند تا مردم فرصت دریافت جواب سیاستمداران برای عملکردشان در منصب را داشته باشند. انتخابات دموکراتیک به نوبه ی خود انگیزه هایی را برای سیاستمداران ایجاد می نماید تا رفاه عمومی را ارتقا ببخشند، در حالیکه قدرت طلبان از ابتدای کار روش دادن آذوقه به رای دهندگان کوتاه فکر را انتخاب می کنند.

- بنابراین در آنالیز نهادها دو دیدگاه توزیع مجدد و جوابگویی از طریق خلاصه کردن نتایج توزیع مجدد و جوابگویی دیکتاتوری و دموکراسی برای بازیگران کلیدی: به ترتیب غنی در مقابل فقیر و خبگان در مقابل عموم آغاز می گردد. دموکراسی یک توازن می باشد-دموکراسی دارای قدرت تحمیل اراده به دیگران است- این توازن در زمانی بوجود می آید که هیچ یک از بازیگران کلیدی سیاسی انگیزه ایی برای تعیین آن در پرتوی نتایج پیش بینی شده ی خود ندارند. حال چه فرد غنی باشد و از طریق انتخاب ارتش به منظور برهم زدن از کودتا استفاده نماید و یا یک متصدی باشد و در زمان شکست در انتخابات از استعفا امتناع کند.

نهادها به عنوان اهداف قانونی:

یک ویژگی اساسی سیاست، چندگانگی توازن در آن می باشد. در این حالت، یک ساختار اصلی از نهادها می تواند به صورت قانونی شرکای خود را به روی یکی از موارد چند گانه ی توازن هماهنگ نماید.

به عنوان یک مثال، ویژگیهای قانونی دو نهاد دیوان عالی و قانون گشایش.

دریک سناریو دیوان عالی کشور به عنوان یک قاضی محکمه نهایی تنها یکی از توازنها در بازی می باشد به طوریکه یک مشاجره ی قانونی می تواند منجر به یک مشاجره ی گزاف شود که نتیجه به غریزه ی شهوانی طرفین مشاجره بستگی دارد وقتی دیوان عالی یک انتخابات پر مشاجره را داوری می کند، حکم آن ممکن است فقط براساس یکی از رای های داده شده توسط بازیگران مختلف از جمله کاندیداها، رسانه ها و یا ناظران خارجی باشد اما در یک دستور قانونی دایر، رای دادگاه به خاطر مزیت وضعیت والای دیوان در سلسله مراتب، قانونی می گردد. رای هیئت منصفه ی دادگاه، دارای قدرت تحمیل بر دیگران است زیرا انتظارات چندگانه ی بازیگرانی را با یکدیگر هماهنگ می نماید که موافق عملکرد مناسب هر یک از دستورات قانونی هستند. در اینجا شکست کاندیدی که در نظر خواهد داشت حکم دادگاه را نادیده بگیرد، باید از جانب تمامی بازیگران پیش بینی شود. با وجود اینکه نظر دادگاه تنها یک نظر است.

به طور مشابه، قانون سمبلیک گشایش از طریق انتظارات هماهنگ شده ی قانونی مدیر اجرایی در بین تعداد زیادی از بازیکنانی که سلسله مراتبی از هر دولت را تشکیل داده اند، قدرت را از رهبری به رهبر دیگر منتقل می نماید. یکی از معیارهای قدرت قانونی این قانون سمبلیک اختلاف بین دستور رهبر رهسپار شده در یک روز قبل و یک روز بعد از شروع به کار قائم مقامش می باشد. برعکس در سیستم های سیاسی که انتقال واقعی قدرت باید از طریق دمونستراسیون یا کشمکشهای پرهزینه ی سیاسی اجرا گردد. بعنوان مثال در روسیه ی معاصر مشهود است که رهبر دولت روسیه نه رئیس جمهور اتحادیه روسیه است و نه نخست وزیرش بلکه او بلادینر پوتین است؛ صرفنظر از پست رسمی که دارد. در نتیجه، جانشین بالقوه ی پوتین نمی تواند انتظار داشته باشد قدرت را از طریق قانون گشایش محض در دست بگیرد. او باید دور از چشم پوتین و شخصا برای در دست گرفتن قدرت تلاش کند-از طریق تبعید، زندانی کردن یا کشتن پوتین.

همانگ سازیِ کانونی اجازه ی ترکیب فاکتورهای مشروطِ فرهنگی، روانشناسی و تاریخی را به منظور انتخاب منطقی آنالیز نهادها می دهد.

بر طبق این روش برای تحلیل نهادها، بسیاری از سبمل ها و قوانین تشریفاتی که درجهان واقعی همراه با آن ها می باشند ، همانند محصولات تصنعی فرهنگی می باشند که به ایجاد یک درک مشترک از قانون کانونی کمک می کنند؛ به طوریکه نهادها این قوانین را برای انتخاب توازن اجرا می کنند. اما این حالت دلالت بر این موضوع ندارد که فاکتورهای فرهنگی یا سبملیک نگرانیهای استراتژیکی را از بین می برند . تنها وقتی که الگوهای چندگانه ی رفتاری هم راستا با دلایل استراتژیکی هستند می توانند نقش کانونی در انتخاب توازن را بازی کنند.

ارزش ذهنی مدل‌های رسمی:

*گام اول در آنالیز سیاستهای نظریه بازی توصیف محیطهای سیاسی مربوطه می باشد:

- محیطهای سیاسی عبارتند از: بازیگران، ، فعالیت آنها و اطلاعات در دسترس و الویت‌هایشان.

* نهادهای سیاسی تمایل به این مرحله ی ابتدایی دارند، زیرا سازمان آنها اغلب بسیاری از این عناصر را منعکس می کنند.

* عملکرد اغلب نهادها در جهان واقعی به سمت مدلسازی پیچیده است. در عوض، فرآیند مفهومی که توسط این عناصر مشخص شده است چکیده و مختصر است، مراحلی که نیازمند سبک و سنگین کردن رئالیسم توصیفی به نفع نرمی و شفافیت تحلیلی می باشد.

* تئوری ساخت الهام شده از نظریه بازی، تحلیل ساده و مدل‌های نرم را به عنوان یک ضرورت از نظر می گذراند و به سمت درک محیطهای پیچیده تر قدم بر می دارد. چکیده و مختصر بودن تئوری ساخت رسمی یک اصل را پیش بینی می کند که برای هر نوعی از تئوری ساخت ضروری می باشد. شفافیت آنالیزی نتیجه، قابلیت تولید مجدد استدلالهای تئوریکالی را آسان می سازد و ایجاد ارتباط بین مکانیزمهای مرتبط در زمینه های مختلف دارای ماهیت واقعی را راحت تر می نماید بنابراین حتی آن دسته از دانشمندان سیاسی که در مورد معقول بودن مفاهیم توازن تئوریکالی بازی مشکوک هستند نیز از اصل تولیدی مورد نیاز توسط متدولوژی تئوری سازی مبتنی بر مدل بهره خواهند برد.

نتیجه گیری: همزیستی مدلسازی تئوریکال و تست تجربی

* آنالیز رسمی نهادها از تحقیق تجربی سود می برد و در تحقیقات تجربی مشارکت دارند.

* تعامل مدلسازی سیاست رسمی که اصولاً یک اقدام تئوریکالی می باشد با تحقیق تجربی جهت بازسازی مدل‌هایی که جنبه های کلیدی سیاستهای جهان واقعی را تسخیر کرده اند، امری ضروری می باشد

* ارزیابی تجربی از مدل‌های رسمی چالش‌های بی نظیری را ارائه می کند: مدل‌ها در بهترین تخمین از واقعیت هستند و مدل‌های خوب در مورد بسیاری از جنبه های واقعیت کنکاش می کنند که برخی از آنها به فراموشی سپرده می شوند و تعداد کمی از آنها مورد توجه هستند.

* ارزش مدل‌های خاص نباید از روی جزئیات توصیفی و یا حتی دقت پیشگویی‌های تجربیشان سنجیده شود، بلکه باید از نظر قابل اجرا بودن اهداف مورد نظرشان بررسی شوند.

* ارزیابی از مدل رقابت انتخاباتی، تعامل بین مدلسازی تئوریکال و آنالیزهای تجربی را ترسیم می نماید.

* تئوری ساخت می تواند به محققان تجربی کمک نماید تا اعتبار خارجی موردهای خاص و طرح‌های تحقیقاتی را ارزیابی نمایند. اغلب تحقیقات تجربی دوست دارند اینگونه ادعا کنند که یافته های آنها ماورای موارد خاص، محتوا یا داده های مناسب هستند اما چنین ادعاهایی به رضایت مفهومی از این موضوع برمی گردد که چرا برخی از مکانیزم‌های سیاسی در قالب محتواهای مختلف به صورت یکسان عمل می کنند

* مدلسازی ضمنی از تعامل بین نهادها و شرکای آنها به ما کمک می کند تا ارزیابی کنیم که کدام یک از ویژگی‌های یک مورد یا داده ی تجربی برای مکانیزم در دست کار مناسب می باشد و ماورای هر محتوای خاصی قابل تعمیم است.